

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۳۰

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۷

بررسی تطبیقی جریان جهیمان العتیبی و گروه داعش در بهره‌گیری از اندیشه مهدویت

صغری فهیمی^۱

چکیده

اندیشه مهدویت به علت ایجاد انگیزه در جهت تلاش برای تغییر وضع موجود، از سوی گروه‌های مختلف مسلمانان؛ اعم از شیعه و اهل سنت، در طول تاریخ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. جریان جهیمان العتیبی در عربستان و گروه داعش از اندیشه مهدویت در جهت پیروزی استفاده کردند. به نظر می‌رسد که گروه داعش با الهام از از جریان العتیبی و همچنین آسیب‌شناسی و فهم علت عدم پیروزی آنان، تشکیل شد. هدف نوشتار بازنشاسی واگرایی و همگرایی دو گروه در بهره‌گیری از اندیشه مهدویت است.

روش تحقیق، مقایسه‌ای و تحلیلی است.

با مطالعه جریان العتیبی واضح است که این جریان در پی کسب قدرت نبود و در جهت نهادینه کردن احکام دینی تلاش کرد؛ اما به علت عدم برنامه‌ریزی دقیق، در همان آغاز حرکت شکست خورد. به نظر می‌رسد غرب با بررسی حرکت‌های نجات‌بخش از جمله جریان جهیمان العتیبی، با فهم نیروی محرک قوی اندیشه مهدویت، تلاش کرد داعش را با همین تئوری

۱. طلبه سطح چهار رشته تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) جامعة الزهراء (علیها‌السلام) (s.fahimi45@gmail.com).

وارد صحنه کند و چهره اندیشه مهدویت را در بین مردم دنیا، چهره‌ای خشن و در صورت عدم پیروزی، ناکارآمد جلوه دهد.

واژگان کلیدی

جهیمان العتیبی، داعش، اندیشه مهدویت، ابوبکر البغدادی، واگرایی، همگرایی.

مقدمه

اندیشه مهدویت از جمله مباحث مهم در بین مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت بوده است. گروه‌هایی با ایدئولوژی‌های متفاوت؛ با استفاده از این اندیشه مسیر مخالفت با عموم مسلمانان را برگزیدند و خود را مصلح وعده داده شده توسط پیامبر ﷺ اعلام کردند. برای اثبات حقانیت خود از روایات و تطبیق آن بر شرایط زمان و ویژگی‌های گروه، بهره بردند. ظهور گروه جهیمان العتیبی در عربستان و اشغال خانه خدا و معرفی فرد سودانی به عنوان مهدی، که داعیه‌ی نجات دین داشت؛ گروه حاکم عربستان را مفسدان دینی پنداشتند و با تفکر حاکمیت به مبارزه پرداختند. با بررسی مبانی فکری این گروه و گروه داعش در بهره‌گیری از مباحث مهدویت، به نظر می‌رسد؛ گروه داعش با بهره‌گیری از مبانی اندیشه مهدویت جریان جهیمان العتیبی، در همان مسیر حرکت کردند. شاید بتوان اذعان داشت تشکیل گروه داعش با آسیب‌شناسی گروه جهیمان العتیبی و آنالیزه کردن آن شکل گرفته است. به همین علت تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین این دو گروه وجود دارد که نیاز به بررسی دارد. نوشتار حاضر درصدد بررسی واگرایی و همگرایی گروه داعش و جهیمان العتیبی می‌باشد تا بتواند با بررسی آن نتایج حاصل ارتباط دو گروه را نشان دهد. همچنین نوع بهره‌گیری این گروه‌ها از روایات مهدویت مشخص شود.

در مورد موضوع مقاله، مقاله‌ای با این عنوان یافت نشد؛ اما مقالات بسیاری وجود دارد که به کاربرد روایت مهدویت در هر گروه پرداخته است مانند مقاله «مهدویت و خلافت اسلامی در نگاه داعش»، اثر مهدی فرمانیان. نویسنده در این مقاله روایت‌های مورد استناد داعش را مطرح و آنها را تحلیل نموده است و مقاله «نقد و بررسی ادعاهای آخرالزمانی داعش» (با تأکید بر نقد و تطبیق روایت دابق) اثر محمدحسن زارع. نویسنده روایت‌های مختلف را نقل و نقد کرده و روایت دابق را سندشناسی و تحلیل نموده است و مقاله «احادیث آخرالزمان در خوانش

متفاوت و جریان ساز جهیمان العتیبی» اثر مرتضی آقا محمدی و یحیی جهانگیری. نویسنده به نوع حرکت العتیبی که متأثر از اندیشه مهدویت است، اشاره دارد و حدود سه روایت را بررسی می‌کند. او اندیشه مهدویت را محرک اصلی جریان العتیبی می‌داند.

بیشتر مقالات با همین مضامین در جهت بازشناسی میزان بهره‌گیری گروه‌ها از اندیشه مهدویت هستند. بررسی تطبیقی سبب می‌شود که جریانات معاصر ریشه‌یابی و تفکرات دقیق‌تر شناسایی شوند. با بازشناسی تفکرات و گرایشات جنبش‌های دینی معاصر و میزان تأثیر اندیشه مهدویت، سبب توانمندی در شناخت تفکرات گروه‌های جهادی که در آینده ظهور می‌کنند، خواهد شد.

در این نوشتار به تعدادی از روایات پرداخته می‌شود که کاربردی بوده و تأثیر در روند شکل‌گیری داشتند. هدف نوشتار بررسی همه روایات و همچنین بررسی سند روایات نیست. مهم‌ترین هدف تمرکز بر روی واگرایی و همگرایی دو گروه یاد شده است.

معرفی جریان جهیمان العتیبی و گروه داعش

برای فهم ارتباط دو گروه و میزان بهره‌گیری از روایات مهدوی، ابتدا باید دو گروه و روایات مورد استنادشان شناسایی شوند:

معرفی جریان جهیمان العتیبی

جهیمان بن محمد بن سیف الضان الحافی الروقی العتیبی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۳۶ میلادی در یکی از هجرت‌گاه‌های اخوان من طاع الله^۱ (الحزبمی، بی‌تا: ۱۴) در ناحیه سجیر در غرب نجد متولد شد. (الحزبمی، ۲۰۱۱: ۴۰ و ۱۷۹) او تا چهارم ابتدایی درس خواند. اما در درس‌های دار الحدیث مدینه منوره شرکت می‌کرد و از آن بهره‌مندی گرفت. ۱۸ سال در ارتش یا گارد ملی خدمت کرد و از آن جدا شد. علت جدا شدن مشخص نیست اما گفته می‌شود که او معتقد بود مواجب گرفتن با اظهار حق سازگار نیست. و بعد از آن وارد دانشگاه مدینه منوره شد. از زمان جدا شدن از دستگاه حکومتی تا حادثه مکه ۶ سال طول کشید. (همو: ۸۶)

او با محمد بن عبدالله القحطانی (۱۹۸۰-۱۹۳۵ م)، یکی از شاگردان شیخ عبدالعزیز بن باز

۱. اخوان یا اخوان من طاع الله گروهی از بادیه‌نشینان بودند که جنگ و نبرد را ترک گفته و به یک جانشینی کفایت کرده بودند. هدف آنها از این اقدام انجام مناسک دینی و تثبیت آن بود. حکومت وقت از آنها حمایت کرده و مکان‌هایی برای اسکان برایشان فراهم کرده بود. (قحطانی، بی‌تا: ۱۴)

آشنا شد و با خواهر او ازدواج کرد. پدربزرگ او، یکی از نیروهای تأثیرگذار سواره نظام اخوان من طاع الله بود که نقش مهمی در اقدامات سیاسی ابن سعود برای تثبیت قدرتش ایفا کرده بود. (همو: ۷۳-۸۱) پدر جهیمان نیز یکی از نیروهای شورشی اخوان من طاع الله بود که تحت امر سلطان بن بجد در نبرد شبله، در سال ۱۹۲۹ با نیروهای ابن سعود جنگید و تا سال ۱۹۷۹ در قید حیات بود. جهیمان از صمیم قلب به وجود پدرش افتخار می‌کرد و در این اندیشه بود که جریان اخوان اصیل را در جامعة السلفیه احیاء کند. (همو: ۴۶)

از میان آثار جهیمان می‌توان به «رسائل» او اشاره کرد که حاوی اندیشه‌های او است. نامه‌ها به جهت نحوه نگارش ضعیف می‌باشد. این نامه‌ها توسط فردی که مسئول خانه الاخوان بود و اصالتاً از حضرموت یمن بود به نام احمدحسن المعلم تدوین و دوباره نویسی شد. (احمد، ۱۹۸۸: ۴۹؛ الحزیمی، ۲۰۱۱: ۷۲ و ۷۶) او دارای لیسانس علوم تربیتی بود. (احمد، ۱۹۸۸: ۴۸۶)

جهیمان و همفکرانش ظلم نظام سعودی و نابسامانی حاصل از آن را مشاهده می‌کردند و آنها را غیر مشروع می‌دانستند. احتمال دارد با الهام از انقلاب ایران و سرنگونی نظام سلطنتی، بر علیه نظام حاکم به پا خاست. او در رساله «الأمارة والبیعة والطاعة وحکم تلبیس الحکام علی طلبة العلم والعامّة»^۱ آل سعود را نشانه می‌گیرد و می‌گوید:

ثم تدبر الآيات؛ تجد كيف أنكر الله عز وجل على من لا يفرقون بين من يسعى لإقامة دين الله ونصرتة والإيمان والعمل الصالح، وبين من يريد إقامة سلطانه ويسعى في الأرض فساداً، لا شك إن أولئك هم المتقون، والآخرون هم الفجار، وإذا تأملت الحديث، ونظرت في الواقع؛ رأيت أنه قد حصل العمل والنتيجة، فحينما لم يحكم هؤلاء الحكام بكتاب الله ولم يتحروا فيما أنزل الله؛ وقع البأس فيما بين المسلمين، فكثرت الفرقة والاختلاف وأصبح بعضهم يسعى لإبطال ما عند الآخر وتفرقوا شيعاً وأحزاباً، والله قد نهاهم عن ذلك، ولكن هذا كله من ثمرة تعطيل الحكم بكتاب الله وتحرى ما أنزل الله. (العتيبي، بي تا (الف): ۱-۲)

با توجه به این شرایط جماعتی با نام جماعه السلفية المحتسبة را طرح ریزی و اجرا نمود. ایجاد نسبت سببی میان جهیمان و محمد بن عبدالله باعث شناخت زیادی از افکار و عقاید او می‌شد. که مبارزه منفی علیه حکومت وقت و مخالفت با هر گونه مظاهر غربی مانند تلویزیون و

۱. جهیمان در این رساله به ۱۰ روایت در زمینه مهدویت منقول از پیامبر ﷺ اشاره می‌کند که در ضمن آن تطبیق شرایط موجود را با روایت نیز بیان می‌نماید.

رادیو از جمله آنها بود. جهیمان حکومت وقت را به هیچ وجه بر اساس قران و سنت نمی دانست. دعوت جهیمان رفته رفته بالا گرفت و اعضای آنها روز به روز بیشتر می شدند. (الحزیمی، ۲۰۱۱: ۴۲)

جهیمان برای اجرای طرح اندیشه اش چند مرحله طی نمود؛ او بر اساس روایت پیامبر ﷺ که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةٍ سَنَةٍ مَنْ يَجِدُ لَهَا دِينَهَ، (ابی داود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۱۸۳۵) خود را واجد شرایط لقب مجدد می دید. همچنین برادرزنی داشت که نامش محمد و اسم پدرش عبدالله بود و با حدیث نبوی که شرایط و ویژگی های مهدی منتظر ﷺ را بیان می کرد از جهت اسم مشابهت داشت، بر این اساس او را متقاعد کرد که مهدی موعود ﷺ است و باید قیام کند و خود نیز از او حمایت خواهد کرد. او در این خصوص به خوابی که در تاریخ ۱۹۷۹ دیده شده بود استناد کرد. (الحزیمی، ۲۰۱۱: ۷۳) سومین مرحله حرکت شان، قیام در مسجد الحرام بود. آخرین اقدام آنان استفاده از اندیشه مهدویت بود. (همو: ۷۴-۸۱) اندیشه مهدویت راهکاری بود که جذب اذهان عمومی را به دنبال داشت. تطبیق روایات بر شرایط موجود، حضور آنان و قیام در خانه خدا را را توجیه می کرد. بنابراین باید مهدی قیام کند تا لشکری از تبوک ظاهر شود. مهدی این لشکر را از هم می پاشد و عده ای از آنها به او می پیوندند. آنها از حرم مکی خارج شده و به سمت مدینه حرکت می کنند، در آن جا مسیح دجال خارج شده و با او می جنگند بعد از آن با یهودیان فلسطین به جنگ می پردازند و بعد از آن به مسجد دمشق رفته و عیسی ابن مریم عليه السلام بر آنها نازل شده و در پس او نماز می گذارد. (آقامحمدی، ۱۳۹۵)

اندیشه مهدویت از جریان جهیمان، گروهی فعال ساخت که از حالت انفعال خارج شده و در جهت تحقق جامعه مهدوی تلاش کردند.

همزمان با این حرکت، جامعه فکری و حوزه های علمی مدینه تحت تأثیرات جدید اندیشه های محمدناصرالدین الألبانی (۱۹۱۴-۱۹۹۹) بودند. آلبانی یکی از چهره های سرشناس و برجسته اهل حدیث در سوریه بود. او به دنبال نفی تقلید و احیای اجتهاد در اندیشه اسلامی بود و از سوی دیگر رویای بازگشت به دین اصیل اسلام را در زمینه های متعددی همچون فقه و حدیث در سر می پروراند. او در کتاب معروفش صفة الصلوة النبوی با توجه به استنادات حدیثی و فقهی خود، مجادلات مهمی را در میان علمای وهابی عربستان برانگیخت و برخی از محققین معتقدند، علت خروج او از مدینه در سال ۱۹۶۳ هم به همین کتاب و ماجراهای اطراف آن

مربوط بوده؛ اما علت اصلی و واقعی آن هنوز بر کسی آشکار نیست. نظرات فقهی و ذائقه فکری آلبانی چنان تند بود که در برخی نقاط، مصالح دولت مردان سعودی را در جامعه عربستان به خطر می‌انداخت و یکی از مواضع اختلافات اجتماعی میان اهل دین و اهل سیاست در جامعه سعودی اندیشه‌های آلبانی بود. تاثیرات آلبانی در جامعه مذهبی حجاز چنان عظیم بود که با وجود عدم حضور وی پس از سال ۱۹۶۳، پیروانش زمینه‌های شکل‌گیری جامعه السلفیه المحتسبه را پدید آوردند. (الحزیمی، ۲۰۱۱: ۶۴)

از طرفی جهیمان با اندیشه‌های آلبانی آشنایی داشت و با او نیز در مورد تفکر گروه اخوان مباحثه کرده و نظرات او را قبول داشت. (همو: ۴۸)

گروه داعش

داعش گروهی تکفیری است که داعیه احیای خلافت اسلامی در منطقه عراق و شام را دارد. در بروز و رشد آن افرادی نقش کلیدی داشتند. یکی از افراد مؤثر ابومصعب زرقاوی با تفکرات افراطی است.

زرقاوی در ۱۹۷۳، در شهر زرقاء اردن به دنیا آمد. زرقاوی فردی نامتعادل بود که زندگی طبیعی را تجربه نکرد. شرارت‌های او همراه با آلوده بودن او به مواد مخدر، از او شخصیتی ایجاد کرد که چند دوره زندان را تجربه کرد و در همین دوران‌ها با گروه جهادی سلفی آشنا و هر بار پس از آزادی به افغانستان رفت و با حمایت اسامه بن لادن، گروهی جهادی تشکیل داد که پس از حمله آمریکا به افغانستان، به کردستان عراق فرار کرد. (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۱۳؛ بخشی، ۱۳۹۵: ۱۷۸)

بعد از حمله آمریکا به عراق، شاخه القاعده در عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی در ۲۰۰۴ علنی شد. (همو ۱۷۷) این گروه تحت امر رهبر القاعده جهان بودند، ولی برخلاف القاعده، شیعیان را دشمن نزدیک خود و هدف خود را مبارزه با شیعیان عراق معرفی کردند. در ۲۰۰۶، ابومصعب زرقاوی در بمباران عراق کشته شد و «ابوعمر البغدادی» به عنوان رهبر این گروه در آمد و در ۲۰۱۰ بعد از هلاکت ابوعمر البغدادی، شخصی به نام «ابوبکر البغدادی» جانشین وی شد. (الاحمد، ۲۰۱۴) با شروع جنگ القاعده در سوریه، شعبه‌ای از این گروه به سوریه رفت، اما در آن‌جا با «جبهة النصرة»، که بعدها جزء القاعده شد، اختلافات داخلی پیدا کرد. آنها از ایمن الظواهری خواستند در خصوص اختلاف القاعده عراق و جبهة النصرة قضاوت کند که حکم او

به نفع جبهه النصره بود. با این حکم ابوبکر البغدادی مخالفت خود با ایمن الظواهری را اعلام کرد و به عراق برگشتند و خلافت اسلامی را با عنوان داعش مخفف اعلام کردند. آنها ادعای خلافت اسلامی کردند و در تبلیغات خود رهبرشان را خلیفه مسلمانان خواندند و او را «ابوبکر الحسینی القرشی البغدادی» معرفی کردند تا یادآور حدیث «خلفاء امتی اثنا عشر، کلهم من قریش» (ابی الزهراء الاثری، بی تا: ۴) باشد.

آنها در اعتقادات و فقه سیاسی خود تابع ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب هستند. همچنین، به پیروی از سید قطب، جهاد مسلحانه را اصل اساسی خود دانسته‌اند و بیانیه زرقاوی را، که شیعه را دشمن اصلی خود معرفی کرده است، شعار اصلی خود قرار دادند. (فرمانیان «جلسه نظریه‌پردازی»، ۲۰۱۵/۱/۸؛ سمعی اصفهانی، شریف یلمه، ۱۳۹۵)

روایات مورد استناد

روایات مورد استناد گروه داعش	روایات مورد استناد جریان جهیمان العتیبی
<p>خلفاء امتی اثنا عشر، کلهم من قریش (بخاری، ۱۴۲۰ق: ج ۱۱، ۷۰؛ نیشابوری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۴۵۲؛ ابن بابویه، ۵۱۴۰۴: ۱۱)</p> <p>در روایات شیعه و اهل سنت وارد شده که کسی که در آخرالزمان ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل می‌کند از نسل امام حسین <small>علیه السلام</small> است. این امر در بین شیعه متواتر و متفق علیه است، مانند حدیث حضرت علی <small>علیه السلام</small> از پیامبر خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> که فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بِمَلُؤْهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (کلینی، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ۶۸۷)</p>	<p>قریشی بودن حاکم: از مهم‌ترین نکته‌های مورد اشاره جهیمان مسئله قریشی بودن است که مقدمه‌ای برای اشغال حرم مکی توسط مهدی مورد ادعای او است</p>
<p>ما از علائم قیامت (آخرالزمان) به آنچه از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> به صورت صحیح به ما رسیده، ایمان داریم، و این که بزرگ‌ترین فتنه از زمان خلقت آدم تا قیامت، فتنه دجال است؛ و به نزول عیسی <small>علیه السلام</small> و بر پا کردن عدل و داد و بازگشت خلافت راشده بر طبق روش نبوت ایمان داریم.</p>	<p>آخرالزمان لشکری از تبوک ظاهر می‌شود و حضرت مهدی با آنها می‌جنگد... ادامه حرکت تا مسجد دمشق که در آن جا عیسی بن مریم نازل می‌شود و با آنها نماز می‌خواند. (نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۲۵۳)</p>
<p>داعش در این زمینه به کتاب الفتن و أخبار المهدی و نزول عیسی <small>علیه السلام</small> و أشراف الساعة اثر جهیمان بن سیف العتیبی استناد می‌دهد و آن را قبول دارد. (سعادت، ۱۳۹۴)</p>	<p>طبق آن چه حزیمی گزارش می‌کند، اندیشه مهدویت از همان روزهای آغازین در میان تفکرات جامعه السلفیه شایع بود؛ اما پس از فرار جهیمان به بادیه، این اندیشه را به شکل ویژه‌ای بسط داد و تقویت کرد. در اواخر سال</p>

روایات مورد استناد گروه داعش	روایات مورد استناد جریان جهیمان العتیبی
<p>روایات مورد استناد گروه داعش</p>	<p>۱۹۷۸ جهیمان اعلام کرد که در یکی از رؤیاهایش، محمد القحطانی را همان مهدی موعود <small>عجل الله فرجه</small> دیده است.</p>
<p>رنگ پرچم حکومت پیامبر خدا <small>ص</small> سیاه بوده است، چنان که در روایات آمده است: «عن عبدالله بن عباس أنه قال كانت راية النبي <small>ص</small>، سوداء، ولواءه ابيض؛ عبدالله بن عباس می گوید: رایت پیامبر <small>ص</small> سیاه بود و لوای ایشان سفید. (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۳۵۰)</p>	<p>حَتَّى يَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَائِقٍ فَيُخْرِجُ إِلَيْهِمْ جَيْشَ مِنَ الْمَدِينَةِ مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ؛ قیامت برپا نمی شود تا این که رومی ها به اعماق یا دابق حمله کنند. آن گاه سپاهی از مدینه شامل بهترین مردم روی زمین علیه رومی ها برمی خیزند. (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ۳۸۱)</p>
<p>رنگ پرچم حکومت پیامبر خدا <small>ص</small> سیاه بوده است، چنان که در روایات آمده است: «عن عبدالله بن عباس أنه قال كانت راية النبي <small>ص</small>، سوداء، ولواءه ابيض؛ عبدالله بن عباس می گوید: رایت پیامبر <small>ص</small> سیاه بود و لوای ایشان سفید. (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۳۵۰)</p>	<p>قیام در مسجد الحرام و ظهور مهدی بین رکن و مقام</p>
<p>نعمان بن بشیر نقل می کند در مسجد با رسول خدا نشستیم. ابوتعلبه خشنی آمد و به بشیر بن سعد گفت آیا حدیث پیامبر <small>ص</small> در مورد امراء را یاد داری؟ حذیفه گفت من حفظ کرده ام، و گفت رسول خدا فرمودند: «نبوت در بین شماست، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی دارد، سپس خلافت بر روش پیامبری است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی دارد، سپس حکومت سخت گیر است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی دارد، سپس حکومت اجباری است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی دارد، سپس خلافت بر روش پیامبری است. پس ساکت شدند. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۳۰، ۳۵۵)</p>	<p>وبتبع خبره صلى الله عليه وسلم فى الحديث الثالث؛ يتضح لنا وقوع ما أخبر به صلى الله عليه وسلم، إذ حصلت وفاته صلى الله عليه وسلم، ثم فتح بيت المقدس فى عهد عمر بين الخطاب رضى الله عنه، ووقع الموتان - بفتح الميم والواو - وهو المرض الشديد ونقل هذا بن حجر رحمه الله وقد شرح هذا الحديث فى فتح البارى، وقد فاض المال فى عصرنا هذا حتى لو أن أحد أهدى لآخر مئة دينار لتقالها، وهذا يختلف عما ذكره رسول الله صلى الله عليه وسلم فى حديث عدى رضى الله عنه الذى أوردناه فى أول هذا الفصل إذ المقصود فى حديث عدى هو عدم وجود من يقبل المال، وأما الفتنة التى لاتدع بيتا من العرب إلا دخلته فقد وردت مجملة فى هذا الحديث، وإذا تأملت واقعك اليوم رأيت انه لم يبق بيت من بيوت العرب إلا دخلته الفتنة وهى الفتنة فى الدين، ومن ذلك فتنة الصور الموجودة فى النقد وغيره، فما تكاد تجد بيتا من العرب إلا دخلته وقد خص النبى صلى الله عليه وسلم العرب بهذه الفتنة، بل إنك تجد بالتتابع أن كل أشراف الساعة خصت بجزيرة العرب، إلا ماستثناه الدليل لأن النبى صلى الله عليه وسلم يخاطب العرب أهل الجزيرة، وخطابه خطاب أخبار لخطاب أحكام فيتعلق ذلك بالمخاطبين مالم ينص</p>

روایات مورد استناد جریان جهیمان العتیبی	روایات مورد استناد گروه داعش
<p>على خروجه عنهم، كقوله صلى الله عليه وسلم، فى حديث أشراط الساعة (وخسف بالمشرق وخسف بالمغرب وخسف بجزيرة العرب...) ونحن الآن فى هدنة مع بنى الأصفر- وهم النصارى - وستنمو هذه الهدنة حتى يصبح الذين لا يعلمون من المسلمين صفاً واحداً مع النصارى فيقاتلون عدوا لهم ثم يغدر النصارى بالمسلمين، وسنفصل ذلك إن شاء الله تعالى فيما بعد.</p> <p>وفى الرابع: ذكر النبى صلى الله عليه وسلم فتنة الاحلاس، وهى كما بينها عليه الصلاة والسلام بقوله: (هرب و حرب)، ومعناها ان الناس فيها بين هارب ومحارب، وقد وقع ذلك فى عصر ما قبل الشريف حسين والملك عبد العزيز، وأول ظهورهما فى جزيرة العرب والناس إلى الان يسمون ذلك الوقت بزمن الجاهلية وكانت بينهم حروب وسلب ونهب ومنهم من يهرب إلى انحاء الجزيرة والشام والعراق وحوادثهم واشعارهم فى ذلك معروفة مشهورة بين اهل الجزيرة بل يوجد من ادرك تلك الحالة وانها كما وصفت فى الحديث (هرب و حرب).</p> <p>فتنة السراء والقصد به النعم كما ثبت عن عبد الرحمن ابن عوف رضى الله عنه: (ابتلينا بالضراء فصبرنا وابتلينا بالصراء فلم نصبر) - ذكره الحافظ فى الفتح بسند صحيح - واخبر النبى صلى الله عليه وسلم ان دخنها من تحت قدمى رجل واطلاق كلمة الناس تشمل المسلم والكافر، ثم ذكر صلى الله عليه وسلم فتنة الذهباء التى لا تبقى احدا من هذه الامة الا لطمته لطمه. (العتيبى، بى تا(ب): ۱۳)</p>	
<p>وأخرج البخارى رحمه الله - فى كتاب الجزية - وقد تقدم هذا الحديث، عن عوف بن مالك رضى الله عنه قال: (أتيت النبى صلى الله عليه وسلم فى غزوة تبوك وهو فى قبة من آدم فقال: اعدد ستاً بين يدى الساعة موتى ثم موتان يأخذ فيكم كقعاس الغنم، ثم إستفاضة المال حتى يعطى الرجل مئة دينار فيظل ساخطاً ثم فتنة لا يبقى بيت من العرب إلا دخلته ثم هدنة تكون بين بنى الاصفر فيغدرون فيأتونكم تحت ثمانين راية تحت كل راية اثنا عشر ألف). (العتيبى، بى تا(ب): ۲۰)</p>	<p>پیامبر خدا بعد از شمردن شش علامت از علائم قیامت فرمودند: «سپس بین شما و بین بنی‌اصفر (روم) معاهده بسته می‌شود که خیانت می‌کنند و بر شما در زیر هشتاد پرچم لشکرکشی می‌کنند که زیر هر پرچمی دوازده هزار نفر است. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۳۵۶)</p>
<p>وأخرج مسلم رحمه الله عن حفصة رضى الله عنها أنها سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: (ليؤمن هذا البيت جيش يغزونه حتى إذا كانوا بببءاء من الارض</p>	<p>«تَغزُونَ جَزِيرَةَ الْعَرَبِ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ ثُمَّ فَأَرَسَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ ثُمَّ تَغزُونَ الرُّومَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ ثُمَّ تَغزُونَ الدَّجَالَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ» (نیشابوری،</p>

روایات مورد استناد گروہ داعش	روایات مورد استناد جریان جهيمان العتيبي
<p>۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۲۲۶؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸: ج ۵، ۵۴۵؛ المقدسی، ۱۴۳۵: ۹۴-۹۶)</p>	<p>یخسف بأوسطهم وينادى أولهم آخرهم ثم يخسف بهم فلا يبقى إلا الشريد الذي يخبر عنهم). (همو: ۱۹)</p> <p>أما عيسى بن مريم عليه السلام فقد أخبر النبي صلى الله عليه وسلم بنزوله لقتل الدجال فيحكم في الارض بشريعة الاسلام ويضع الجزية ويكسر الصليب ويمكث في الارض اربعين سنة، ويكون نزوله عليه السلام بدمشق عند المنارة البيضاء الموجودة الان بالمسجد الاموى في دمشق، فينزل عيسى عليه السلام واضعا كفيه على اجنحة ملكين فلا يجد ريح نفسه كافر إلا مات، ونفسه ينتهي حيث ينتهي طرفه، فيأتى المسجد وقد أقيمت صلاة الفجر وسويت الصفوف ويصلى خلف المهدي، ويخبر من فى المسجد بدرجاتهم فى الجنة ويأمر بفتح باب المسجد، فإذا رآه الدجال ذاب كما يذوب الملح فى الماء ويولى هاربا فيلحقه عيسى عليه السلام فيدركه عند باب لد فيقتله ويرى المسلمين دمه فى حربته، ثم يوحى الله إلى عيسى عليه السلام بخروج يأجوج ومأجوج وأنهم لاطاقة لهم بهم ويأمره أن يحرز من معه إلى جبل الطور فيخرج يأجوج ومأجوج فيدعوا عيسى ربه أن يهلكهم فيهلكون، وسبأتى التفصيل إن شاء الله تعالى. (همو: ۱۷)</p>
<p>ان النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مَيِّتًا - أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي، وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا، وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (ابوداود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۱۸۳۱)</p>	<p>أعلم ان النبي صلى الله عليه وسلم اخبر بخروج رجل صالح فى امته يملء الارض عدلا بعدما ملئت جورا وظلما وقد سماه صلى الله عليه وسلم ياسمه وسمى قبيلته، فقال إنه من قريش من ولد فاطمة رضى الله عنها وأن اسمه كأسمه صلى الله عليه وسلم - محمد بن عبد الله - وأخبر أنه يمكث فى الارض سبع سنين، وأخبر أنه يصلحه الله فى ليلة ثم يلوذ بالبيت هاربا من الناس ثم تبايعه طائفة قليلة بين الركن ومقام إبراهيم عليه السلام بمكة المكرمة ثم يغزوه جيش يمر بالمدينة فيخسف الله بهم ببداء المدينة وبعد ذلك يحصل غدر النصارى بالمسلمين بعد أن هادن بعضهم بعضا فيقتتلون، ويخرج إليهم هذا الرجل من مكة ويمر بالمدينة بمن معه وهم خير من تحت أديم السماء يومذاك، فإذا رآه النصارى قالوا له: خل بيننا وبين هؤلاء - أى المسلمين الذين كانوا قد سالموهم - فيمتنع هو ومن معه ويقول لهم: والله لانخلى بينكم وبين أخواننا، فينضم لإخوانه ويصطفون للقتال وعدد النصارى يومئذ - مليون إلا اربعين الف - فإذا رأى المسلمين كثرتهم إنهمز ثلثهم (لايتوب الله عليهم أبدا)، ويقتل ثلثهم الثانى</p>

روایات مورد استناد گروه داعش	روایات مورد استناد جریان جهیمان العتیبی
	(وهم خير الشهداء عند الله) ثم يفتح الله على الثلث الباقي حتى يفتحوا القسطنطينية بالتكبير فإذا تم ذلك صاح فيهم الشيطان: (أن الدجال خلفكم في اهليكم)، وهو يومئذ كاذب، فيرسل المهدي عشرة فرسان يستطلعون حقيقة الامر فيخرج الله الدجال حقيقة فيذهب المهدي بمن معه إلى بيت المقدس ينتظرون قدوم الدجال إليهم ليقاتلوه فينزل عيسى عليه السلام عند الصبح، وقد اصطف المسلمون للصلاة يؤمهم المهدي، فيصلي عيسى عليه السلام خلفه (همو: ١٦)

واکرای دو جریان در بهره‌گیری از اندیشه مهدویت

دو گروه در بسیاری از اصول و مبانی مانند یکدیگر هستند؛ اما در برخی موارد اختلاف دارند:

نمادسازی

نمادسازی یکی از مؤثرترین وسیله در جهت رسیدن به هدف است. داعش با بهره‌گیری از شعائر اسلامی و روایات شیعی، نمادسازی نمود.

بهره‌گیری از نام «حسین» به عنوان لقب خلیفه پیشنهادهی

داعش در استفاده از روایات مهدویت خود را محدود به روایات شایع بین اهل سنت نکرده و از روایات شیعی نیز بهره برده است. افزودن لقب «الحسینی» (ابوهمام، ۱۴۳۴: ۳) به اسم «ابوبکر البغدادی» یکی از مظاهر کاربرد روایات شیعی است.

روایت مشهور به روایت دوازده خلیفه در اکثر منابع اهل سنت با مضمونی مشابه نقل شده است. مضمون روایت تأکید بر جانشینی دوازده جانشین بعد از پیامبر ﷺ دارد.^۱ (بخاری، ۱۴۲۰ق: ج ۲۳، ۴۹۰)

ادامه روایت ائمه اثنی عشر در منابع شیعی از قول پیامبر ﷺ به دو گونه نقل شده است: ۱. همه از اهل بیت؛ (برقی، بی‌تا: ج ۱، ۱۵۵؛ کلینی، ۱۴۳۰: ج ۱، ۵۳۵) ۲. همه از بنی هاشم هستند. (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۳۴)

۱. جَابِرُ بْنُ سَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: يَكُونُ إِثْنِي عَشَرَ أَمِيرًا فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي إِنَّهُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. او می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «دوازده امیر خواهد بود. آن‌گاه سخنی گفت که من آن را نشنیدم. پدرم گفت: پیامبر ﷺ فرمود: همه آنان از قریش اند» (بخاری، ۱۴۲۰ق: ج ۲۳، ۴۹۰).

اما در منابع اهل سنت تا زمان قندوزی (۱۲۹۴ق)، منبعی این مطلب را در، ادامه روایت ذکر نکرده است و او در کتاب *ینابیع المودة*، اذعان دارد که همه دوازده ائمه از بنی هاشم هستند. (قندوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۳۱۵) البته در روایت دیگری در منابع اولیه اهل سنت بیان شده که: «مهدی از ما اهل بیت هست». (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۲، ۷۴).

در روایت دیگر در سنن ابن ماجه ذکر شده است: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ»؛ (ابن ماجه، ۱۴۱۸: ج ۵، ۵۴۲) اما در پاورقی سند هر دو روایت را ضعیف دانسته و بعضی از راویان در سلسله سند را از غالیان شیعه دانسته‌اند.

با توجه به تعریف اهل سنت از اهل بیت علیهم‌السلام و ضعیف شمردن روایت به جهت راوی شیعه در سلسله سند، استناد امروز داعش به این روایات، قابل تأمل است.

داعش در ادامه نام ابوبکر البغدادی، لقب «الحسینی» را اضافه کرده است. در یکی از منابع خود در تمجید از مقام ابوبکر البغدادی، لفظ «الرجل الحسینی» (ابی همام، ۱۴۳۴ق: ۴) را استفاده کردند؛ چنین کاربردی، استراتژی جدیدی است که عناد این گروه را با اهل بیت علیهم‌السلام به دوستی تبدیل می‌کند. نکته‌ای که در حرکت جهیمان نادیده گرفته شد. چنین دیدگاهی سبب می‌شود تا دیدگاه این گروه در درازمدت در بین شیعیان نیز نفوذ کند که علیرغم موضع‌گیری ضد داعشی؛ شیعه نیز دارای تفکر داعشی شود.

بهره‌گیری از رنگ پرچم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تلفیق آن با رنگ سفید پرچم مهدی موعود علیه‌السلام

رنگ پرچم داعش براساس روایتی از ابن عباس^۱ (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۳۵۰) انتخاب شد. در این روایت ذکر شده است که پرچم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ‌ها سیاه و پرچم مهدی علیه‌السلام سفید است. داعش پرچمی طراحی کرد که هم یادآور حکومت نبوی باشد و هم اندیشه مهدویت را در اذهان زنده کند. چنین نمادی در نگاه جهانیان خاطره‌ای را بازنمایی می‌کند که فقط در تاریخ اسلام تداعی معانی دارد. با بازخوانی و تعبیر خشن از اسلام، داعش به عنوان نماد دین اسلام مطرح است.

۱. رنگ پرچم حکومت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سیاه بوده است، چنان‌که در روایات آمده است: «عن عبدالله بن عباس أنه قال كانت راية النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوداء، ولواءه ابيض»؛ یعنی عبدالله بن عباس می‌گوید: رایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سیاه بود و لوای ایشان.

مکان ظهور

جهیمان با بهره‌گیری از روایتی که مهدی بین رکن و مقام ادعای خود را آشکار می‌کند؛ در قیام خود به مسجد الحرام یورش برد و پس از هتک حرمت کعبه، مهدی قحطانی را به عنوان مهدی موعود علیه السلام معرفی کرد. (نصیبی، ۱۴۲۵ق: ۳۰، ۷۸، ۱۴۴ و ۱۵)، بنابراین جهیمان با ادعای نجات دین، و با استفاده از روایت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در مکه، قیام خود را علنی کرد.

گروه داعش، دابق را به عنوان پایگاه قیام خود در نظر گرفتند که این حرکت با استناد به روایاتی است که در این زمینه ذکر شده است. (نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ۲۲۲۱-۲۲۲۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۱۸، ۲۷۳؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: ۲۶۰-۲۶۴) در صحیح مسلم به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

در آخر الزمان، جنگی سرنوشت ساز میان مسلمانان و دشمنان شان برپا می‌شود که این جنگ هم زمان با ظهور دجال و حضرت مسیح علیه السلام است... قیامت برپا نمی‌شود تا این که روم (شرقی) به "اعماق" (دابق). (حموی، ۱۹۹۵م: ج ۱، ۲۲۲)

فرود می‌آید و سپاهی از برگزیدگان اهل زمین در آن روزگار، از شهر مدینه به مقابله با آنها برمی‌خیزند و هنگامی که با یکدیگر رو در رو می‌شوند رومیان می‌گویند: ما را با کسانی که از میان ما بد نام شده‌اند (اسیران ما هستند)، واگذارید تا با آنها بجنگیم. بعد مسلمانان می‌گویند: نه به خدا قسم، چگونه برادران مان را با شما واگذاریم، پس با آنها مبارزه می‌کنند و یک سوم از آنها (برگزیدگان) فرار می‌کنند و خداوند توبه آنها را نمی‌بخشد پس از آن ثلث دیگر از آنها کشته می‌شود که برترین شهیدان، نزد خداوند هستند و ثلث آخر پیروز می‌شوند و به هیچ فتنه‌ای دچار نمی‌شوند. پس از آن قسطنطنیه را فتح می‌کنند. (قسطنطنیه) اشاره به شهری در ترکیه است که هم اکنون استانبول نامیده می‌شود... زمانی که آنها در حال تقسیم غنائم هستند و شمشیرهای خود را به زیتون آویخته‌اند، شیطان به فریب بانگ برمی‌آورد که مسیح جانشین شما در سرزمین‌های تان (تبارتان) شد پس قیام می‌کنند. وقتی که به شام می‌رسند، شیطان ظاهر می‌شود سپس برای جنگ آماده شده، صف‌آرایی می‌کنند. در هنگامه نماز، عیسی بن مریم علیها السلام نازل می‌شود و به امامت آنها می‌ایستد. هنگامی که دشمن خدا (دجال)، (مسیح) را می‌بیند ذوب می‌شود همانند ذوب شدن نمک در آب. پس اگر مسیح، دشمن خدا را رها کند، آن قدر ذوب می‌شود تا هلاک شود، اما خداوند به دست مسیح او را می‌کشد و مردم خون او را در

حال چکیدن از نیزه مسیح می‌بینند. (نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ۲۲۲۱-۲۲۲۲)

با توجه به روایت می‌توان اذعان داشت که افراد بسیاری از روم مسلمان خواهند شد و در شام زندگی خواهند کرد؛ همچنین افرادی در زمان جنگ اسیر شدند، آنها نیز مسلمان خواهند شد و به همراه مسلمانان بر ضد روم مبارزه می‌کنند. همچنین روایت اشاره دارد به این که آن شهر (دابق) در مکانی میان شرق اسلامی و غرب رومی مسیحی واقع است و همان مکان درگیری در آخر الزمان است.

گروه داعش بر این عقیده بود که این پیشگویی به وقوع پیوسته؛ زیرا بسیاری از غربیان به داعش پیوستند. از طرف دیگر همکاری بین المللی غربیان در مبارزه با داعش و حمله احتمالی ترکیه به داعش، پیشگویی محقق شده است.

همچنین داعش ابتدا عنوان مجله خود را دابق قرار دادند. واضح است که آنان با تفکر پیروزی حتمی، چنین عنوانی را برای مجله خود برگزیدند و بعد از شکست در دابق، عنوان مجله را به «رومیه» تغییر دادند.

اگرچه گروه داعش همانند جهیمان هدف خود را مکه قرار داده است. یکی از فرماندهان نظامی داعش به نام ابو خالد در سال ۱۳۹۳ بعد از اشغال کوبانی (شهری نزدیک دابق)، ضمن هشدار به عربستان سعودی و امارات متحده عربی به دلیل شرکت در ائتلاف نظامی علیه داعش اعلام کرد: بدانید که از زیرزمین و از طریق تونل هم که شده مجاهدین ما شبانه وارد کاخ‌های تان خواهند شد. او همچنین تأکید کرد که آزادسازی اماکن مقدس مکه و مدینه از دست آل سعود در دستور کار دولت اسلامی قرار گرفته است و این سرزمین‌های مقدس به زودی آزاد خواهند شد. وی در پایان گفت: دارالخلافة دولت اسلامی در نهایت شهر مقدس مکه خواهد بود. (سایت تابناک، ۱۳۹۳)

داعیه حکومت داشتن داعش

گروه داعش برخلاف جهیمان العتیبی ادعای تشکیل حکومت اسلامی شام و عراق را داشت. عملکرد و نامه‌نگاری‌های جهیمان العتیبی، شواهدی هستند که نشان می‌دهد آنان هدف‌شان نجات دین بود و امکان تشکیل حکومت به مهدی واگذار شده بود. (الحزیمی، ۲۰۱۱: ۱۶۲)

قیام جهیمان العتیبی به نظر یک انقلاب دینی بر علیه نظام نادرست بود. به نظر این گروه دین به علت عدم اجرای صحیح در ورطه نابودی قرار گرفته بود. آنها با استفاده از اندیشه

مهدویت به دنبال نجات دین بودند و انگیزه قدرت‌طلبی نداشتند؛ اما تفکرات آنها مبنا قرار گرفت. جهیمان که دین را در ورطه نابودی می‌دید، با استفاده از روایات مهدویت که یک اندیشه نجات بخش است، بر علیه حکام سعودی قیام کرد.

داعش نیز با همان مبنا با هدف از بین بردن کفار (شیعه به عنوان دشمن نزدیک، یهود و مسیحی به عنوان دشمن دور) (مجله رومیه، شماره ۱، ۶) که در حال نابودی دین هستند، مبارزه خود را شروع کرد؛ اما تشکیل این گروه از ابتدا با طراحی در اتاق‌های فکری انجام شد که قصدشان نابودی و یا وارونه جلوه دادن دین اسلام هست. آنان از روایات نبوی استفاده کرده و خود را همان افراد وعده داده شده آخرالزمانی قلمداد می‌کنند که خلافت آنان در امتداد خلافت اسلامی است. خلافتی که از اندیشه مهدویت استفاده ابزاری نمود و چنین وانمود کرد که حکومت مهدی موعود عجل الله فرجه به دست آنان به سرانجام می‌رسد.

روایت مورد استناد آنان خلافت اسلامی را به پنج دوره تقسیم می‌کند؛ دوره اول و دوم همان صدر اسلام که حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خلفاست. دوره سوم و چهارم دوران ظلم و دوری از اسلام است. دوره پنجم، دوره خلافت اسلامی به روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخرالزمان است. آنها خلافت شام و عراق را همان حکومت الهی آخرالزمانی موعود می‌دانند.

در منابع خود از قول نعمان بن بشیر نقل می‌کنند: در مسجد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم. ابو ثعلبه خشنی آمد و به بشیر بن سعد گفت آیا حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد امراء را یاد داری؟ حذیفه گفت من حفظ کرده‌ام، و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

نبوت در بین شماست، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی‌دارد، سپس خلافت بر روش پیامبری است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی‌دارد، سپس حکومت سخت‌گیر است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی‌دارد، سپس حکومت اجباری است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را برمی‌دارد، سپس خلافت بر روش پیامبری است. پس ساکت شدند. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۳۰، ۳۵۶)

داعش با مطرح کردن خود به عنوان حکومت آرمانی در اسلام و تطبیق ویژگی حکومت آخرالزمانی و عدالت جامعه مهدوی، اصلی‌ترین مؤلفه دین اسلام را هدف گرفته است؛ زیرا تحقق جامعه مهدویت نیاز به شرایطی دارد که داعش توانسته آن را به منصفه ظهور برساند. بنابراین جامعه آرمانی اسلامی، جامعه‌ای است که خلافت اسلامی به روش حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در آن جامعه تحقق می‌پذیرد. بیان شکل و نوع حکومت پیامبر ﷺ، با تفسیر داعشی به جهان عرضه می‌شود. بنابراین دین اسلام با محوریت تحقق جامعه مهدویت کامل می‌شود. جامعه آرمانی که پیامبر ﷺ وعده آنان را به مسلمین داده است.

شیعیان به عنوان گروهی که ادعای حرکت در جهت آماده‌سازی جهان برای ظهور آخرین منجی را دارند؛ در مسیر خود با تفکرات داعش برخورد دارند. جداسازی تفکرات داعشی و جداسازی آنان از تفکرات اصیل اسلامی بسیار مشکل است؛ زیرا در این مسیر، تفکرات داعشی در بین تفکرات اصیل رسوخ کرده و شیعه نیز با همین تفکرات؛ اما با قالب تشیع به دنبال ساختن جامعه آرمانی است.

به نظر می‌رسد غرب با مهندسی فکر و ترسیم نقشه راهبردی، به تعدادی از اهداف خود رسیده باشد. اولین هدف آنها بازسازی چهره‌ای خشن و بی‌روح از اسلام و مسلمین بود، که به موفقیت نسبی در این زمینه در خارج از جهان اسلام، دست یافتند. هدف دیگری که در سیاست کلی به دنبال آن بودند، قرائت جدیدی از دین اسلام و ماندگاری این قرائت در اذهان بود. غرب به دنبال گسترش چنین تفکری در بین مسلمین جهان است؛ یعنی هدف آنان در برنامه راهبردی، نهادینه کردن تفکر داعشی بود. رشد و نمو چنین تفکری در بین مسلمین و خصوصا شیعیان، سبب برانگیخته شدن مردم جهان می‌شود و این حرکت باعث نابودی اسلام به معنای واقعی خواهد شد. بنابراین شکست داعش در جبهه‌های فیزیکی حرکت آنان را تا حدی کند می‌کند؛ اما متوقف نمی‌شود.

هدف دوم، هدفی است که در صورت موفقیت، دین را نابود خواهد کرد؛ زیرا در درازمدت نام دین اسلام با احکامی پیوند خواهد خورد که اصل دین تغییر چهره می‌دهد و دین اصیل نیاز به بازشناسی مجدد خواهد داشت.

همگرایی جریان جهیمان با داعش

حرکت جهیمان‌العتیبی یک حرکت نجاتبخش بود و شاید بتوان اذعان داشت که انگیزه الهی داشت؛ اگرچه در باور خود دچار خطا شد. او از پتانسیل موجود در اعتقاد به مهدویت بهره‌برد.

به وجود آمدن گروه داعش برخلاف جریان جهیمان، با برنامه‌ریزی غرب به وجود آمد. اگرچه چنین تفکری بین اهل سنت سابقه داشت؛ اما خودجوش نبود. با هدف تشکیل

حکومت اسلامی به شیوه پیامبر ﷺ پا به صحنه سیاست گذاشتند. کاربست عقاید جهیمان در بحث مهدویت، آنان را یاری کرد تا مورد اقبال بیشتری واقع شوند. بین این دو گروه اشتراکاتی وجود دارد که تأثیرگذار در روند رشد و نمو گروه داعش بوده است.

تأثیر تفکرات محمد ناصرالدین آلبانی

بیان شد که هم‌زمان با جریان جهیمان، حوزه‌های علمی مدینه تحت تأثیر تفکرات آلبانی که سلفی و سوری الاصل بود، قرار داشت. او توسط عبدالعزیز بن باز^۱ به تدریس در دانشگاه مدینه دعوت شد. (ابورمان، ۲۰۱۳: ۱۰)

آلبانی در جهت نفی تقلید و باز کردن باب اجتهاد تلاش کرد. او در کتاب «صفة الصلوة النبوی»، به این نکته اشاره نموده است. (آلبانی، بی تا: ۴۰)

تفکر او باعث ایجاد اختلاف در میان علمای وهابی عربستان شد و برخی از محققین معتقدند، علت خروج او از مدینه در سال ۱۹۶۳ هم به همین کتاب و ماجراهای اطراف آن مربوط بوده؛ اما علت اصلی و واقعی آن هنوز بر کسی آشکار نیست. (لاکرو، ۱۳۹۶)

نظرات فقهی و گرایش فکری آلبانی با سیاست حاکمان در تضاد بود و مصالح دولت مردان سعودی را در جامعه عربستان به خطر می‌انداخت. تأثیرات آلبانی در جامعه مذهبی حجاز چنان عظیم بود که با وجود عدم حضور وی پس از سال ۱۹۶۳، پیروانش زمینه‌های شکل‌گیری جامعه‌ی السلفیه‌المحتسبه^۲ را پدید آوردند. (همو)

آلبانی در مدت اقامت در عربستان و تدریس در دانشگاه، دانشجویان و افراد مرتبط با خود را تحت تأثیر تفکرات سلفی قرار داد. بعد از مهاجرت او به سوریه، تفکرات او سبب تشکل جدید با تفکر جدید شد. آلبانی با همین تفکرات به سوریه برگشت و همچنین به علت درگیری با حکومت مجبور بود به کشورهای عربی همسایه سفر کند. او در این مسافرت‌ها اندیشه خود را

۱. عبدالعزیز بن باز (۱۹۰۹-۱۹۹۹)، مفتی اعظم عربستان سعودی از سال ۱۹۹۳ تا زمان مرگش و یکی از مهم‌ترین علمای وهابی مورد احترام در ساختار دولت و حکومت عربستان سعودی بود. (قحطانی، بی تا: ۳۶)

۲. گروهی که به جامعه سلفیه مشهور بود در میانه‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی در مدینه آغاز به کار کرد. هسته اصلی این گروه از میان جوانان پرشور داعی در روستاهای اطراف مدینه تشکیل شده بود. این جوانان که تحت تأثیر اندیشه‌های بنیادگرایانه آلبانی قرار داشتند، به ایجاد تصفیه و پاکسازی اساسی در مبانی عقیدتی گروه‌های مورد تأیید دولت عربستان سعودی اعتقاد داشتند.

نیز انتقال می‌داد. بنابراین آلبانی فرد مشترک و مورد رجوع دو گروه داعش و جریان جهیمان العتیبی می‌تواند باشد. خیزش گروه داعش از سوریه این نظریه را تقویت می‌کند که آلبانی مرز مشترک تفکرات جهیمان با گروه داعش است.

آلبانی به اخبار مهدوی اعتقاد داشت. او در باره‌ی گروه‌هایی که منکر ظهور مهدی هستند؛ چنین می‌گوید:

مثل این‌ها همانند کسانی است که عقیده نزول عیسی علیه السلام در آخرالزمان را، که احادیث صحیح در مورد آن به تواتر رسیده است، منکر می‌شوند... و مطمئناً و قطعاً می‌گوییم که هر کس عقیده مهدی را منکر شود، آن را نیز منکر می‌گردد و برخی از آنها نیز این عقیده را ناخواسته و بر اثر لغزش زبانی بیان کرده‌اند و مثلاً تمامی این گروه منکر خروج مهدی در نزد من همانند کسی است که اولوهیت خداوند متعال را انکار نماید همانند ادعای برخی از فراعنه. پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (آلبانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۴۳، رقم ۱۵۳۰)

او حتی در کتاب خود در باب مهدویت از جهیمان یاد کرده است. سوری الاصل بودن آلبانی و مدت اقامت او در عربستان که هم‌زمان با ورود جهیمان به دانشگاه دارالحدیث مدینه بود و همچنین خاستگاه داعش که سوریه است؛ به نظر می‌رسد هر دو جریان از تفکرات او در زمینه مهدویت از او تأثیر پذیرفتند.

قرشی بودن ائمه دوازده‌گانه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

هر دو گروه در مورد قرشی بودن جانشینان دوازده‌گانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متفق القول هستند و خود را منتسب به قریش می‌کنند تا روایت را بر خود تطبیق دهند. جهیمان با قبول قریشی بودن جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخرالزمان، مهدی قحطانی (محمد بن عبدالله) که نام خود و پدرش بر نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پدرش تطبیق می‌کرد، را به عنوان مهدی معرفی کرد.

ابراهیم عواد نام سومین خلیفه‌ای است که گروه داعش با او بیعت کردند. آنها نام خلیفه خود را به ابوبکر البغدادی القرشی (گروه نویسندگان، ۱۴۳۷ق (ب): ۲۷) الحسینی، تغییر دادند. در این نامگذاری، نمادسازی انجام شد و هر کدام از عناوین، نمادی را به خود اختصاص داد. ابوبکر، یادآور خلیفه نخستین و اولین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ القرشی نماد خاندان بنی‌هاشم و الحسینی نمادی است که تفکرات شیعه را نشانه گرفته و با آن سازگاری دارد.

داعش در کتاب‌های درسی خود، در کتاب سیاست، زمانی که شرایط بیعت با حاکم و ویژگی حاکم را بیان می‌کند؛ ابوبکر البغدادی را با دادن صفت قرشی، او را شایسته بیعت

دانسته‌اند. (همو)

گروه داعش در مرام‌نامه خود آورده‌اند که خلیفه باید عرب، قریشی، هاشمی و سنی باشد. بعد از زخمی شدن ابوبکر البغدادی، ابوالعلاء العفری (عبدالرحمن مصطفی) به جانشینی انتخاب شد. او شخصیت کاریزماتیک داشت؛ اما به علت ترکمنی بودن در بیعت با مشکل مواجه شد.

بنابراین هر دو گروه در سیادت و رهبری قریش که قبیله پیامبر ﷺ است، هماهنگی کامل دارند؛ اما جهیمان از همان ابتدا با مهدی موعود ﷺ مبارزه خود را شروع می‌کند و گروه داعش خود را زمینه‌ساز قیام مهدی ﷺ می‌دانند. بنابراین با معرفی خلیفه‌ای همنام خلیفه اول، اعتقاد خود را به بازگشت خلفای نخستین نشان می‌دهند.

هم جهت بودن تفکرات دو گروه در زمینه روایات اشراط الساعة

اعتقاد به فرارسیدن آخرالزمان یکی از مقدمات مهم در قیام جهیمان می‌باشد. راه تشخیص آخرالزمان هم تطبیق فتنه‌های ذکر شده در احادیث نبوی بر حوادث و وقایع روزگار بود. جهیمان مردم دوران خود را تباه شده می‌دانست، مردمانی که به دنیا چسبیده و به سلاطین و حکام جور تقرب می‌جویند و در برخورد با باطل و منکرات یا سکوت کرده یا به دفاع از آنها می‌پرداختند. از نظر او تکنولوژی و مظاهر آن همگی از نشانه‌های آخرالزمان بودند. به گفته حزیمی در سال ۱۳۹۹ سخن از این که آخرالزمان فرا رسیده است در بین جماعت، زیاد شده بود. جماعت به این امر یقین داشت و از اخباری که در این باره است، حمایت می‌کرد. حتی آنها سناریوی آخرالزمان را نیز ترسیم کرده بودند که جهیمان در رساله «الفتن و اخبار المهدی و نزول عیسی و اشراط الساعة» این سناریو و حوادث آن را به ترتیب بیان می‌کند. او در آغاز رساله الفتن پنج حدیث در مورد فتنه‌های آخرالزمان ذکر می‌کند از جمله حدیث ابن عمر که در بخشی از آن آمده است:

... آن‌گاه فتنه دهیماء (سیاه و بزرگ) است که این فتنه هیچ شخصی از امت را فرو نمی‌گذارد مگر این که لطمه‌ای بر او وارد سازد...^۱ (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۱۰، ۳۰۹-۳۱۰؛

۱. حَدَّثَنَا أَبُو الْمُغِيرَةِ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَالِمٍ، حَدَّثَنِي الْعَلَاءُ بْنُ عُثْبَةَ الْجَمْعِيُّ أَوْ الْيَحْيَىُّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ هَانِيٍّ الْعَنْسِيِّ، سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ يَقُولُ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَعُودًا، فَذَكَرَ الْفِتْنَ، فَأَكْثَرَ فِي ذِكْرِهَا حَتَّى ذَكَرَ فِتْنَةَ الْأَخْلَاسِ، فَقَالَ قَائِلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا فِتْنَةُ الْأَخْلَاسِ؟ قَالَ: "هِيَ فِتْنَةُ هَرَبٍ وَحَرْبٍ، ثُمَّ فِتْنَةُ الشَّرَاءِ، دَخَلَهَا أَوْ دَخَلَهَا مِنْ تَحْتِ قَدَمِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَزْعُمُ أَنَّهُ مِنِّي، وَلَيْسَ مِنِّي، إِنَّمَا وَلِيَّتِي الْمُتَّقُونَ، ثُمَّ يَصْطَلِحُ النَّاسُ عَلَى رَجُلٍ كَوْرِكٍ عَلَى

ابی داود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۱۸۱۴: العتیبی، بی تا (ب): ۱۲-۱۳).

جهیمان در رساله الفتن در تطبیق شرایط زمانش بر این حدیث می‌گوید:

ما الان در فتنه «دهیماء»^۱ هستیم که هیچ کسی از این امت را رها نکرده به هر کس لطمه‌ای می‌زند و هر گاه گفته می‌شود تمام شد باز ادامه پیدا می‌کند. این واقع امروز ما است که می‌بینیم هر روز اهل باطل فتنه‌ای جدید بر سر ما می‌آورند. ابتدا آن را می‌آورند و سپس ادامه پیدا می‌کند... (همو: ۱۴).

گروه داعش با استناد به روایتی از پیامبر ﷺ،^۲ تاریخ اسلام را به پنج دوره تقسیم کردند. در هر دوره، خصوصیات و نوع حکومت آن دوره را ذکر کردند. در این روایت دوره پنجم، دوره‌ای است که خلافت به روش پیامبر ﷺ اجرا می‌شود. در توضیح روایت ذکر شده است که هم‌اکنون دوره آخر است^۳ و خلیفه وقت ابوبکر البغدادی القرشی است که باید با او بیعت کرد. آنها معتقدند که خلیفه بعد از این که ابوبکر البغدادی به همراه سپاهیان با سپاه عربستان می‌جنگد و کشته می‌شود، مسلمانان با مردی قریشی تبار از نسل پیامبر ﷺ بیعت خواهند کرد، او همان مهدی موعود ﷺ است که وعده توسط پیامبر ﷺ وعده داده شده است.

(ابی جعفر الحطاب، ۱۴۳۷: ۸؛ سایت «المنبر الاعلامی الجهادی»، ۱۴-۰۷-۲۰۱۴)

همچنین داعش در بعضی از شماره‌های مجلات دابق (انگلیسی، شماره ۲ و ۴ و ۵)، در صفحات آخر، به روایتی از پیشگویی پیامبر ﷺ اشاره دارد که بدین مضمون است: پیامبر

صَلِّحْ، ثُمَّ فِتْنَةُ الدُّهَيْمَاءِ لَا تَدْعُ أَحَدًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا لَطَمْتُهُ لَطْمَةً، فَإِذَا قِيلَ لَقَطَعْتَ تَمَادَثَ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَبُيُوسِي كَافِرًا، حَتَّى يَصِيرَ النَّاسُ إِلَى فُسْطَاطَيْنِ، فُسْطَاطِ إِيْمَانٍ لَا نَفَاقَ فِيهِ، وَفُسْطَاطِ نِفَاقٍ لَا إِيْمَانَ فِيهِ، إِذَا كَانَ ذَاكُمْ فَانْتَظِرُوا الدَّجَالَ مِنَ الْيَوْمِ أَوْ عَدِ.

۱. مفهوم دهیماء؛ بلاها و سختی‌ها می‌باشد؛ دهیماء مصغر دهماء. (ابی داود، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۱۸۱۳)

۲. نعمان بن بشیر نقل می‌کند: در مسجد با رسول خدا ﷺ نشسته بودیم. ابوتعلبه خشنی آمد و به بشیر بن سعد گفت آیا حدیث پیامبر ﷺ در مورد امراء را یاد داری؟ حذیفه گفت من حفظ کرده‌ام، و گفت رسول خدا ﷺ فرمودند: «نبوت در بین شماست، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را بر می‌دارد، سپس خلافت بر روش پیامبری است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را بر می‌دارد، سپس حکومت سخت‌گیر است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را بر می‌دارد، سپس حکومت اجباری است، تا زمانی که خدا بخواهد، و هر موقع خواست آن را بر می‌دارد، سپس خلافت بر روش پیامبری است. پس ساکت شدند. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق:

ج ۳۰، ۳۵۵)

۳. نحن الآن بالفعل أصبحنا نعیش زمن الخلافة التي وعدنہا بها رسول ﷺ والتي ستكون آخر مرحلة من زمن البشرية وبعدها تقوم القيامة، ولذلك يا أخوة الكل بات متأكد اننا نعیش زمن الفتن والملاحم وأن ظهور المهدي و خروج الدجال ونزول عيسى بن مريم ﷺ، كلها امور بات حدوثها أقرب مما تتصوروا سایت «المنبر الاعلامی الجهادی».

خدا ﷻ بعد از شمردن شش علامت از علائم قیامت فرمودند:

سپس بین شما و بین بنی اصف (روم) معاهده بسته می‌شود که خیانت می‌کنند و بر شما در زیر هشتاد پرچم لشکرکشی می‌کنند که زیر هر پرچمی دوازده هزار نفر است. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۳۰، ۳۵۶؛ العتیبی، بی تا(ب): ۱۲ و ۲۰؛ مجله دابق، شماره ۴، ۵۶)

ذکر روایت قومی که در آخرالزمان با لشکر روم^۱ برخورد می‌کند و تطبیق آن بر خود و انتخاب شهر دابق به عنوان مقر حکومتی، نشان می‌دهد که آنان داعیه خلافت اسلامی را دارند که پیامبر ﷺ نوید آن را داده که این خلافت متصل به ظهور منجی آخرالزمان خواهد شد. همچنین در مجله رومیه که بعد از مجله دابق منتشر شد، دعایی از قول یکی از افراد داعش در انتهای مطلب بدین مضمون ذکر کرده است:

یا الله فتح روم و قسطنطنیه را بر دستان ما قرارداداده و ما را از بندگان شکیبیا و شکرگزار قرار ده. (مجله رومیه، شماره ۱، ۸)

اندیشه مهدویت در دین اسلام سبب پویایی و حرکت است. چنین تفکری باعث رشد مسلمانان می‌شود و آنان را از حالت انفعالی به صحنه تلاش و فعالیت می‌کشاند. به همین علت سناریوی نابودی چنین تفکری در اتاق فکر دشمنان طراحی شده است. غرب با مطالعه حرکت‌های رهایی‌بخش در بین مسلمانان از جمله جریان جهیمان العتیبی؛ راه‌های نفوذ را تشخیص داده و سعی در به چالش کشیدن آن و بازنمایاندن عدم توانمندی این اندیشه در رهایی‌بخشی دارد. داعش با شعائر مهدوی برای نجات مسلمانان و تشکیل حکومت اسلامی به پا خاست. نابودی سپاه روم را در رویاهای خود پرورش داد و با این تفکر خام، دشمنی جهان غرب را بر علیه مسلمانان برانگیخت. تطبیق نابه‌جا و بی‌هنگام این گروه، کارآمدی این اندیشه را دچار مشکل کرد که برای رفع آن باید بسیار تلاش نمود.

اهداف مشترک دو گروه در نابودی حکومت عربستان

داعش يك شورش «نثواخوانی»^۲ است که در خارج از قلمرو عربستان ظهور یافته و

۱. تعبیر آنان از لشکر روم به گونه‌ای دیگر است. آنها روسیه را به عنوان امتداد رومیای قدیم می‌دانند که امروز در سوریه حضور دارد.

۲. نثو به مفهوم جدید است که به عنوان پیشوند به کلمات اضافه می‌شود. گروه «اخوان من طاع الله» در عربستان فعال بودند.

دنباله‌روی سیاست جهیمان در ضدیت با خاندان سعودی است. اختلاف عمیقی در عربستان دیده می‌شود. یک سو، طرفداران مدرنیته که ملک عبدالله بخشی از آن است قرار دارد و طرف دیگر تفکر جهیمان که بن‌لادن، حامیان سعودی داعش و تشکیلات مذهبی سعودی بخشی از آن است. این اختلاف درون خاندان سلطنتی هم وجود دارد. روزنامه سعودی الحیات نوشت: نظرسنجی منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی در ژوئیه ۲۰۱۴ حکایت از آن دارد که ۹۲ درصد پاسخ‌دهندگان بر این باورند که داعش ارزش‌های اسلامی و قوانین اسلام تبعیت می‌کند. (الاستایر، بی‌تا)

داعش آئینه تمام‌نمای «خلوص» از دست‌رفته در جامعه سعودی است. ارجاعات داعش به محمد بن عبدالوهاب و جهیمان، بیانگر انگیزه‌ای قوی در آن است. (همو)

از طرف دیگر اخبار آخرالزمانی که حوادث عربستان را در آستانه ظهور بیان می‌کند، شواهدی است که دشمنی حاکمیت عربستان و علمای وابسته را با ظهور منجی نشان می‌دهد. (السادة، ۱۳۸۸) واضح است که گروه‌هایی که داعیه نجات بخشی دارند با حاکمیت عربستان مخالف باشند؛ زیرا آنان را در تضاد با اهداف خود می‌بینند. به همین علت دو جریان داعش و جهیمان العتیبی که ظهورشان در دو زمان و مکان متفاوت بود؛ در دشمنی و مخالفت با سیاست عربستان مشترک هستند.

اشتراک در دشمنی با شیعیان

جریان جهیمان العتیبی از دولت عربستان به علت عدم جنگ با روافض، انتقاد کرده و حکومت وقت را متهم کرد که با یدک کشیدن اسم حکومت توحیدی بین مسیحی و مسلمان وحدت ایجاد کرده و حتی به مذهب روافض مشروعیت داده است. کسانی که علی و حسین را می‌خوانند و با کسانی که با قبر و گنبد پرستان مبارزه می‌کنند مخالفت کرده و جلوی آنها را گرفته است. از جمله ملک عبدالعزیز که بعد از به دست گرفتن قدرت جلوی جهاد خارج از کشور را گرفت. در عراق کسانی علی و فاطمه و حسین را در کنار خدا پرستش می‌کنند. (العتیبی، بی‌تا(الف): ۲۶) به نظر جهیمان، ملک عبدالعزیز بایسته بود که جنگ با عراق را صادر می‌کرد. از طرف دیگر، گروه داعش شیعیان را تابع عقاید فردی یهودی به نام عبدالله بن سبأ می‌دانند که فردی غالی بوده و در زمان حضرت علی علیه السلام تفکر غلوآمیز داشته است. حضرت علی علیه السلام او را به علت تفکراتش سوزاند. شیعیان نیز به تبع او، درصدد نابودی دین اسلام

هستند؛ به اعتقاد آنان شیعیان کافرند و باید کشته شوند. (سایت «منبر التوحید والجهاد») هم چنین عقاید مهدویت شیعه از نظر گروه داعش، عقیده ناصحیح است. مهدی شیعه، مخالف مهدی موجود در روایات اهل سنت است. مهدی شیعه فردی شرور بوده و همان دجال معروف در روایات می باشد. (مجله دابق، شماره ۱۱)

گروه‌های تکفیری در اتهام وارد کردن به شیعه و نسبت کفر دادن به آنها، به ابن تیمیه استناد می کنند. ابن تیمیه در جاهای مختلف کتاب *منهاج السنة*، شیعه را دشنام داده و تکفیر می کند و در بسیاری مورد از لفظ «حماقاتهم» بهره برده است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۷، ۴۰۸)

نتیجه‌گیری

اندیشه مهدویت از مهمترین مؤلفه‌های تلاش در جهت بهبود وضعیت مسلمانان برای استقرار عدالت می باشد. گروه‌های مختلف اعم از شیعه و اهل سنت، در جهت تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب از شعائر مهدویت بهره بردند. یکی از مهمترین تلاش آنان تطبیق روایات مهدویت بر وضعیت موجود و عملکرد خودشان است. از جمله جریان‌های معاصر که با تمسک به اندیشه مهدویت، در جهت پیشبرد اهداف خود تلاش کردند؛ جریان جهیمان العتیبی و گروه داعش است. این دو گروه در دو زمان و مکان متفاوت با تطبیق شرایط، تلاش کردند تا وضعیت موجود را تغییر دهند. اهداف دو گروه با هم تفاوت دارد؛ اما ریشه‌های فکری همسانی داشته و در اندیشه با هم تفاوت اندکی دارند. با بررسی و تطبیق دو گروه در میزان کاربست روایات مهدویت در رسیدن به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت، دال بر وجود پشتوانه بیگانه در حرکت داعش و بالعکس خودجوش بودن جریان جهیمان است. اگرچه روایت‌های مورد استناد بسیار به هم شبیه است؛ اما در عمل متفاوت ظاهر شدند و هدف‌شان با یکدیگر فرق داشت. نتیجه آن شد تا نمود خارجی داعش مورد انزجار گروه‌های مسلمین قرار گیرد که این امر در مورد جریان جهیمان ایجاد نشد.

از طرفی، غرب با بررسی حرکت‌های نجات‌بخش از جمله جریان جهیمان العتیبی، با فهم نیروی محرک قوی اندیشه مهدویت، تلاش کرد داعش را با همین تئوری وارد صحنه کند و چهره اندیشه مهدویت را در بین مردم دنیا، چهره‌ای خشن و در صورت عدم پیروزی، ناکارآمد جلوه دهد.

بیان شد که گروه داعش و عده‌ای از متفکرین اهل سنت مثل ابن تیمیه، اساس اعتقادات

شیعه را به اعتقادات یهودی متصل می‌کنند و معتقدند که فردی یهودی‌الاصل به نام عبدالله بن سبأ، عقاید غلوآمیز نسبت به حضرت علی علیه السلام داشت. بحث وصایت و عقاید دیگر شیعه از سوی او مطرح شد؛ حضرت علی علیه السلام به علت افکار غلوآمیز، او را کشت. بنابراین شیعیان منقطع از خاندان اهل بیت علیهم السلام و پیرو عبدالله بن سبأ هستند. بر همین اساس کاربرد روایات مهدوی مورد استناد شیعه توسط داعش (که میزان ارتباط بین شیعه و ائمه علیهم السلام را می‌رساند)، در درازمدت سبب جدایی بین تفکرات شیعه و ائمه علیهم السلام می‌شود. این امر با اضافه دشمنی روزافزون شیعه با خلفای نخستین، شیعه را به عنوان گروهی منقطع از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح خواهد کرد؛ زیرا این گروه‌ها به ظاهر و با نمادسازی و بازنمایی، خود را به ائمه علیهم السلام نزدیک می‌کنند. بنابراین از دشمنی علنی به تدریج کاسته شده و سناریوی تهی کردن شیعیان از درون به صورت بسیار تئوریزه انجام خواهد شد.

منابع

- ابن تیمیہ، تقی الدین أبو العباس، *منہاج السنۃ النبویۃ فی نقض کلام الشیعۃ القدریۃ*، محقق: محمد رشاد سالم، انتشارات جامعۃ الإمام محمد بن سعود الإسلامیۃ، اول، ۱۴۰۶ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الامام احمد بن حنبل*، بیروت، موسسۃ الرسالۃ، ۱۴۱۶ق.
- ابن ماجہ، محمد بن یزید، *سنن الحافظ أبی عبد اللہ محمد بن یزید القزوینی ابن ماجہ*، محقق: معروف، بشار عواد، لبنان - بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۸ق.
- ابوداؤد، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داؤد*، محقق: سید ابراہیم، شارح: عبد الخیر عبد القادر، مصر، دار الحدیث، ۱۴۲۰ق.
- ابورمان، محمد سلیمان، *التحولات السلفیۃ الدلالات التداعیات والآفاق*، عمان، مؤسسہ فریدریش ایبرت، ۲۰۱۳م.
- ابی الزہراء الاثری، *القول الصافی فی صحیحہ بیعہ سلیل آل النبوہ ابی بکر القرشی الحسینی البغدادی ثم السامرائی*، مؤسسہ البتار الاعلامیہ، بی تا.
- ابی جعفر الحطاب، *بیعۃ الامصار لامام المختار (احکام البیعہ فی الاسلام و تریبہا علی بیعہ اهل الشام)* تونس، مؤسسہ البیارق الاعلامیہ، ۱۴۳۷ق.
- ابی داؤد، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داؤد*، محقق ابراہیم، سید، قاہرہ، دار الحدیث، ۱۴۲۰ق.
- احمد، رفعت سید، *رسائل جہیمان العتیبی*، قائد المقتحمین للمسجد الحرام بمکہ، قاہرہ، مکتبۃ مدبولی، ۱۹۸۸م.
- احمد، محمد علی، *تنظیم الدولۃ الاسلامیۃ فی العراق والشام «داعش» النشأۃ - التوسع - الدور المرسوم لها ضد الثورة السوریہ*، ۲۰۱۴م.
- الاستایر، کروک، *«داعش و تاریخ و ہابی گری در عربستان سعودی»*.
- آقامحمدی، مرتضی، جہانگیری، یحیی، «احادیث آخر الزمان در خوانش متفاوت و جریان ساز جہیمان العتیبی»، *فصل نامہ پژوهش های مهدوی*، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹۵ش.
- آلبانی، ناصر الدین، *سلسلۃ الاحادیث الصحیحۃ و شئی من فقہا و فوائدها*، ریاض، مکتبۃ المعارف، ۱۴۱۵ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، قاہرہ، وزارت اوقاف، مجلس الأعلى للشئون

- الاسلامية؛ لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۲۰ق .
- بخشی، عبدالله علی، از حجاز تا شام (بررسی بنیان‌های عقیدتی جریان‌های تروریستی)، تهران، کلام ماندگار، ۱۳۹۵ش .
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق: جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا .
- الحزیمی، ناصر، احمد عدنان، قصه و فکر محتلمین للمسجد الحرام، مرکز المسبار للدراسات والبحوث، چاپ اول، ۲۰۱۱م .
- الحزیمی، ناصر، ایام مع جهیمان، بیروت، شبکه العربیة للابحاث والنشر، دوم، ۲۰۱۱م .
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی هلالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق .
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵م .
- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، محقق: عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق .
- زرقاوی، ابومصعب، حوار مع الشيخ أبي مصعب الزرقاوی رحمه الله (أجرى الحوار القسم الإعلامي لـ"تنظیم القاعدة فی بلاد الرافدين")، سایت «منبر التوحید والجهاد»، ۱۴۳۷ق .
- السادة، مجتبی، «گفتگو: عربستان در آستانه ظهور»، مترجم: سید شاهپور حسینی، مجله موعود، شماره ۱۰۸، سال چهاردهم، ۱۳۸۸ش .
- سایت تابناک، ۱۶ مهر سال ۱۳۹۳، کد خبر ۴۴۰۵۰۸ .
- سایت داعش: «المنبر الاعلامی الجهادی»، قسمت تحلیل و مقالات و دراسات، بحث «اظن ان المهدي سيظهر قريباً كجندی فی دولة الاسلام باذن الله» .
- سعادت، قادر، «نگاه داعش به مهدویت»، مجله سراج منیر، ۱۳۹۴ش .
- سمعی اصفهانی، علیرضا؛ شریف یلمه، ایمان، «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق»، فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۹۵ش .
- صدوق، علی بن حسین، الإمامة والتبصرة من الحيرة، مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق .
- العتیبی، جهیمان بن سیف، رسالة الامارة والبيعة والطاعة وحكم التلبیس الحکام علی طلبة العلم و العامة، الجبهة اعلامية الاسلامية العالیة، بی‌تا(الف) .

- _____ ، رسائل الفتن و اخبار المهدی و الدجال و نزول عیسی عليه السلام و اشراف الساعة ، قاهره ، انتشارات مدبولی ، بی تا (ب).
- فرمانیان ، مهدی ، جلسه نظریه پردازی: بررسی زمینه ها و مبانی دیدگاه های تکفیری داعش ، مورخه ۲۰۱۵/۱/۸ .
- فرمانیان ، مهدی ؛ ابراهیم نژاد ، محمد ، تاریخ و افکار داعش ، قم ، انتشارات بهنماد ، ۱۳۹۵ ش .
- قحطانی ، فهد ، زلزال جهیمان فی المکة ، بی جا ، بی نا ، بی تا .
- قندوزی ، سلیمان بن ابراهیم ، ینابیع المودة ، قم ، انتشارات اسوه ، ۱۴۲۲ ق .
- کتاب درسی داعش ، «التاریخ للصف الاول الشرعی» ، الفصل الدراسي الاول ، طبعة الابتدائی ، ۱۴۳۷ ق .
- کتاب درسی داعش ، «السیاسة الشرعية للصف اول الشرعی» ، الفصل الدراسي الاول ، طبعة الابتدائی ، ۱۴۳۷ ق .
- کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، قم ، انتشارات دارالحدیث ، ۱۴۳۰ ق .
- لاکرو ، استفان ، «بازخوانی ماجرای جهیمان العتیمی و ظهور اندیشه مهدویت در بطن وهابیت» ، مرکز پژوهش های جامع تکفیری مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۱ .
- مجله دابق ، ۱۴۳۶ ق ، انگلیسی ، شماره ۱۱ .
- مجله دابق ، انگلیسی ، شماره ۲ و ۴ و ۵ .
- مجله رومیه ، ترجمه فارسی ، شماره ۱ .
- المقدسی ، ابی نسیره ، الدولة الاسلامیة فی العراق و الشام «مشروع الخلافة الموعود» ، فرسان البلاغ للاعلام ، قسم الدعوة و البلاغ ، ۱۴۳۵ ق .
- مقدسی شافعی سلمی ، یوسف بن یحیی ، عقد الدرر فی أخبار المنتظر عليه السلام ، قم ، بی نا ، ۱۴۲۸ ق .
- نصیبی ، محمد بن طلحه ، لدرر المنتظم فی السرا الأعظم ، تحقیق: محمد بن طلحه عطیه ، بیروت ، دارالهادی ، ۱۴۲۵ ق .
- نوری ، سید محمد جعفر ، بررسی جنبش جهیمان محمد سانیف العتیمی .
- نیشابوری ، مسلم بن حجاج ، صحیح مسلم ، قاهره ، دارالحدیث ، ۱۴۱۲ ق .

